

گزارش تفصیلی و پایانی سمینار سراسری درباره کشتار زندانیان سیاسی در ایران

پس از سه روز گردهمایی پرشور و پربار در روزهای ۱۵، ۱۶ و ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۵، نخستین سمینار سراسری با موفقیت به کار خود پایان داد. استقبال وسیع از این گردهمایی ناشی از ضرورت‌هایی بود که سال‌ها بدون پاسخ باقی مانده‌اند. از جمله این ضرورت‌ها، همانا لزوم کارزاری مداوم و گسترده برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی، مقابله با سرکوب و اختناق در ایران است که در حد توان‌های واقعی موجود در جنبش آزادی‌خواهی و عدالت‌جویانه، بازتابی از صدای مردم، کارگران و زحمتکشان در عرصه داخل و خارج از کشور باشد. حضور و همیاری بی‌شائبه زندانیان سیاسی سابق در رژیم‌های شاه و جمهوری اسلامی، خانواده‌ها و وابستگان جانفشنان و جانبازان سال‌های اخیر و نیز مدافعین آزادی زندانیان سیاسی در این گردهمایی، نشان داد که توان‌های واقعی موجود در این جنبش، بسی فراتر از آن است که ابعاد آن را به حرکات موضعی و کوتاه مدت محدود سازیم. اگر گام‌های سنجیده‌ای که در این گردهمایی برداشته شدند، به درستی و با احساس مسئولیت دنبال شوند، امید فرارویی توان‌های نهفته برای جنبشی وسیع و همگانی برای آزادی زندانیان سیاسی، و برکندن ریشه‌های سرکوب‌گری اجتماعی، سیاسی و طبقاتی در ایران افزایش خواهد یافت. این گردهمایی گامی کوچک در این راه بود و مسلم است که پی‌گیری و کوشش تک تک ما، پیروزی و گسترش چنین تلاشی را ممکن می‌سازد.

علاوه بر این، زندانیان سیاسی مسائل و مشترکات بسیاری دارند که ضرورت دیدارهای مشترک‌شان را از حد یک فعالیت سیاسی فراتر می‌برد. احساسی که در فضای گردهمایی موج می‌زد، بدون هیچ شک و شبهه‌ای حاکی از اعتماد عمیق افراد به یکدیگر بود. بسیاری از حاضرین در جلسه، از زندانیانی که پس از سال‌ها همدیگر را می‌یافتند، گرفته تا کسانی که پس از سال‌ها برای اولین بار به چنین مراسمی می‌آمدند، خود را درون خانواده بزرگی احساس می‌کردند که برخلاف تبلیغات رژیم همچنان یار و یاور یکدیگر و سندی بر افشای ستمگری حکومت کنونی‌اند. گردهمایی نخست، ایجاد اعتماد متقابل و برقراری روابط وسیع‌تر بین زندانیان سیاسی را هدف خویش نهاد تا بنیان تداوم کارهای مبارزاتی آتی را استحکام بخشد. خوشبختانه، نتایج گردهمایی و بازتاب‌هایی که تاکنون به دست ما رسیده است حکایت از رسیدن سمینار به چنین اهدافی دارد.

از جمله موفقیت‌هایی که کمیته برگزارکننده را به آینده گردهمایی سراسری امیدوار می‌سازد، حضور وسیع و کم‌نظیر جوانان و نسل نوین از فعالین سیاسی در این مراسم بود. بسیاری از آنان در سازماندهی کارها از امور فنی و تدارکاتی گرفته تا حضور و اجرای بخش‌هایی از برنامه‌های سمینار یاری رسان این گردهمایی بودند. برخی از آنان با طرح بحث-های خود، حال و هوای تازه‌ای به این گردهمایی بخشیدند. کمیته برگزارکننده ضمن ارج گذاشتن به این حضور فعالانه، زیبا و امیدبخش از سوی جوانان و نسل نوین فعالین سیاسی، در گام‌های آتی تلاش خواهد کرد که سهمی گسترده‌تر و شایسته‌تر به این دوستان و رفقای پرتوان، پرشور و مبتکر اختصاص دهد.

کمیته برگزارکننده همان‌گونه که در مراسم افتتاحیه اعلام کرد، می‌داند و آگاه است که چنین گردهمایی‌ای بارسنگینی از مسئولیت را بر دوش برگزارکنندگان می‌نهد و با توجه به گستردگی جنایات جمهوری اسلامی، نمی‌توان در نخستین قدم بر همه ضعف‌ها و کاستی‌ها فائق آمد. از همین رو، از همگان در خواست می‌کند که نکات، انتقادات و پیشنهادهای خود را که می‌تواند در ارتقای گردهمایی آتی کارساز باشند، برای ما ارسال کنند.

آنچه در پی می‌آید، گزارش کوتاهی از برنامه‌های سه روزه سمینار است که تقدیم حضور علاقمندان می‌شود:

جمعه ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۵

برنامه افتتاحیه با با خیرمقدم و یک دقیقه کف‌زدن حاضرین به افتخار جانفشنان و جانبازان دهه‌های اخیر که به دست رژیم‌های شاه و جمهوری اسلامی به قتل رسیده‌اند، آغاز شد. مؤده ارسی از سوی کمیته برگزارکننده طی سخنان کوتاهی، مقدمه و اهداف سمینار را بیان کرد. او در این مقدمه تاکید کرد که:

“ما، به عنوان بخشی از زندانیان سیاسی سابق رژیم‌های شاه و جمهوری اسلامی، بر این باوریم که کارزاری عمیق‌تر و وسیع‌تر بر علیه سرکوب، اختناق و زندان لازم است تا پیوند ریشه جنایت و سرکوبگری را با تمامیت حکومت جمهوری اسلامی و از آن فراتر با تمامیت سیستم سرمایه‌داری نشان دهیم. این کارزار، با این گردهمایی آغاز نشده و با آن نیز خاتمه نخواهد یافت، لیکن حضور تک تک ما در اینجا، بر کارایی، کیفیت و برآیی آن می‌افزاید. حوادث روزهای اخیر در ایران نشان داد، که افشای سردمداران و سازمان‌دهندگان کشتارهای سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۷ امری نه مربوط به “گذشته”، بلکه حال است.

در عین حال، حاضرین در این گردهمایی به خوبی می‌دانند که پاسخ به ضرورتی سیاسی، تنها انگیزه ما برای چنین همایشی نیست. بسیاری از ما، سال‌های زندگی مشترکی را در زندان‌های شاه و یا جمهوری اسلامی گذرانده‌ایم، لحظات تلخ و شیرینی را با هم تجربه کرده‌ایم که به بخش ناگستنی در وجودمان تبدیل گشته است...”

علاوه بر این، وی در پایان سخنانش تاکید کرد که:

“همان گونه که در فراخوان نخست نیز اعلام کردیم، علاقه‌ای عمیق و انسانی به جانفشانان و جانباختگان کشتارهای سراسری ۱۳۶۰ و ۱۳۶۷ در بازماندگان این جنایت مهیب وجود دارد که با مرور زمان، از دل ما پاک نمی‌شود. مهر و علاقه‌ای که به روزگاران زندگی و مبارزه مشترک در بندهای زندان بازمی‌گردد ولی با گذشت روزگاران از آن کاسته نمی‌شود. از همین رو در تدارک بزرگداشتی وسیع‌تر از یارانمان در این روزها برآمدیم. امید داریم که روزهایی پربار و موفق را با همکاری یکدیگر در این گردهمایی داشته باشیم.”

به این ترتیب

- کارزاری سیاسی بر علیه تمامیت جمهوری اسلامی،

- ضرورت دیدار جان به‌در بردگان این جنایات

- و نیز بزرگداشت جانفشانان و جانباختگان

از اهداف این گردهمایی سه روزه اعلام شد. لازم به ذکر است که ایجاد بنیان‌های اولیه برای کارزارهای وسیع‌تر آتی برای ما اهمیتی وسیع‌تر از آکسیون کوتاه مدت در این گردهمایی داشته و دارد. به همین دلیل، تمرکز کارها را به سوی این بنیان‌ها در گردهمایی سه روزه متمرکز کردیم.

سپس شیرین مه‌رید، هنرمند و زندانی سیاسی سابق با سخنان کوتاهی از احساس خود در شرایط زندان و اعدام رفیقان چنین گفت:

“فکر می‌کنید در این شرایط آدم چه برخوردی می‌تواند بکند؟ سکوت؟ من چون خودم عاشق خواندن بودم، همیشه در دلم می‌خواندم... حتما خیلی از بچه‌های دیگر هم می‌خواندند... شاید این طوری خودمان را آرام می‌کردیم... برای این گونه جدایی...”

پس از آن با صدای زیبایی خود به اجرای آهنگ “یگانگی” پرداخت و آن را به یاد تمامی عزیزانی تقدیم کرد که در میان ما نیستند.

پس از آن پیام کانون نویسندگان توسط کیومرث نویدی قرائت شد. وی در بخشی از پیام گفت:

“دوستان! کانون نویسندگان ایران و زندانیان سیاسی ایران چنان با هم خویشاوندند که نمی‌توان مرزی میان آنان گذاشت... کانون نویسندگان ایران را نیز بخشی از شما تشکیل داده‌اند. نویسندگانی که به خاطر آنچه نوشته‌اند، برخی-شان بارها زندانی سیاسی بوده‌اند. هم اکنون نیز، بسیاری از زندانیان سیاسی ایران نویسندگان و روزنامه‌نگاران هستند...”

او با تاکید بر هم‌سرنوشتی نویسندگان ایران با زندانیان سیاسی، همایشی موفق را برای زندانیان سیاسی ایران آرزو کرد. پیام دیگری که از سوی شرکت‌کنندگان با استقبال زیادی روبرو شد، پیام مومیا ابوجمال زندانی سیاسی از درون زندان-های آمریکا بود. مومیا ابوجمال در این پیام که توسط عزیزه شاهرادی قرائت شد با این جملات پایان داد که:

”ایران این سرزمین کهن، مهد باورهای متفاوت به بقای خود در این روزهای تاریک و سیاه ادامه خواهد داد. چنان که ایران در گذشته نوری به سوی آینده بود، در آینده نیز نوری برای مبارزه در راستای رهایی، آزادی و کرامت انسانی خواهد بود. با ایمان به آن آینده به شما می‌پیوندم...”

ستاره عباسی از سوی کمیته برگزارکننده نکاتی را از کاستی‌هایی که از همان آغاز بر کمیته برگزارکننده آشکار بوده است را با جمع حاضر در سالن و شنوندگان حاضر در اتاق‌های پالتاکی در میان گذاشت. از آن جمله به ذکر کاستی‌ای پرداخت که در روزهای برگزاری این گردهمایی از سوی علاقمندان و دلسوزان این جنبش نیز بیان شده است. او به عنوان اولین نکته به این مسئله پرداخت که:

”بر ما آشکار بود که زندانیان سیاسی ایران، طیفی یک دست و یک نظر نیستند. هماهنگی و تامين نظر طیفی چنین گسترده و گوناگون، اگر نه کاری ناممکن، ولی سخت و صعب است. به ویژه آن که پراکندگی جغرافیایی همه ما، از داخل کشور گرفته تا کشورهای اروپایی و آمریکا و کانادا، مشکلی جدی برای تبادل نظر فعال و موثر مابین تک تک زندانیان سیاسی فراهم می‌آورد. برای داخل کشور، سانسور و اختناق سیاسی، عدم تضمین جانی زندانیان سیاسی کنونی و سابق و دستگیری‌های بی‌محابای مخالفین توسط نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، بخشی دائم از زندگی سیاسی در ایران تحت سیطره حکومت اسلامی است. در چنین وضعی، روشن است که امید به تماسی گسترده با فعالین داخل کشور، با توجه به خطراتی که از سوی رژیم برای این دوستان و رفقا متصور است، نمی‌تواند به صورتی وسیع، همه جانبه و آشکار تحقق یابد. این کاستی‌ای است که از همین آغاز بر آن اذعان داریم و رفع این کاستی با سرنگونی تمامیت رژیم جمهوری اسلامی پیوند خورده است.”

با این حال، حضور گسترده و بازتاب امیدبخش گردهمایی کنونی ما را بر آن می‌دارد که قدم‌های آتی با خبررسانی وسیع‌تر و کوشش تک تک حاضرین در گردهمایی نخست، بسی فراتر از مرزهای کنونی رفته و گوشه‌ای دیگر از توان نهفته در آشفتن جنبش آزادی‌خواهی و عدالت‌جویی را متبلور سازد. علاوه بر این ستاره عباسی تاکید کرد که:

”این گستردگی و گونه‌گونی، فقط در عرصه سیاسی و نظری نبوده و نیست. تنوع قومی و فرهنگی زندانیان سیاسی نیز بایستی بازتابی شایسته در این گردهمایی داشته باشد. برای ما مهم بود و هست که از زندان‌های کردستان، آذربایجان، سیستان و بلوچستان، خوزستان، گیلان و مازندران، بوشهر و شیراز و اصفهان و خلاصه همه آن جاهایی تاکنون درباره آن‌ها کمتر گزارشی منتشر شده است را در این سمینار داشته باشیم. مگر نه اینکه همایش ما سراسری بایستی باشد و برای همه سرزمین ایران است؟ پس بایستی می‌کوشیدیم و از همه راه‌های ممکن نیز کوشیدیم تا پیام خود را به هم-بندیان نادیده خود برسانیم.”

در طول این گردهمایی سه روزه، بسیاری از ما هم‌زنجیران نادیده‌امان را از شمال، جنوب، غرب و شرق کشور یافتیم، و امید است که در گردهمایی‌های آتی این زنجیره دوستی و اعتماد بر سراسر شهرها و مناطق کشورمان به نحوی گسترش یابد که قادر باشیم تصویری همه جانبه از سرکوبگری وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی ارائه دهیم. سومین نکته مهمی که ستاره عباسی از سوی کمیته برگزارکننده مطرح کرد، مربوط به حضور بحث‌ها و طیف‌های مختلف فکری در این سمینار بود. او گفت:

”سودای برگزاری سمیناری با کیفیت و کارایی خوب و قابل قبول نیز، از دیگر آرزوهای کمیته برگزارکننده بوده است. توجه به کیفیت بحث‌ها، طرح بحث‌ها از نقطه نظرات مختلف و حضور دیدگاه‌های گونه‌گون در برنامه‌های سمینار نشانی از چنین تلاشی است که در حد مقدمات و محدوده زمانی سمینار برای تحقق آن کوشیده‌ایم. فشردگی بحث‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم کوشش ما، امکان بازتاب همه رنگارنگی فکری، هنری، نظری و تجربی در مجال کوتاه و در اولین گردهمایی‌ای از این دست، ممکن نیست. اگر ضرورت طرح گسترده‌تر این موضوعات وجود داشته و دارد، پس

بهتر است به جای تلاش غیرواقع‌بینانه برای تحقق همه خواسته‌ها در یک سمینار سه روزه، راهی برای تداوم چنین جلسات و گردهمایی‌هایی بیابیم.

او سخنان خود را در لحظات اولیه شروع برنامه‌ها چنین پایان داد: "می‌دانیم و آگاهیم که بسیاری از کارها بهتر می‌توانسته است انجام شود، می‌دانیم و آگاهیم که بسیاری از ایده‌ها و نوآوری‌ها، مجال بروز در اولین همایش مشترک‌مان را نیافته است. و در عین حال، می‌دانیم و آگاهیم که "آغاز هر کار، مشکل‌ترین قسمت آن است." پس اکنون که با حضور و پشتیبانی تک تک ما، چنین کاری آغاز شده است، بکوشیم که روزها، ساعات و دقیق‌ی پرریز را داشته باشیم، شاید که ره توشه‌ای باشد برای قدم‌هایی سنجیده‌تر، همه‌جانبه‌تر و پربارتر.

پس از آن، شاعر و هنرمند گرانقدر سعید یوسف به شعرخوانی پرداخت. حسن ختام برنامه افتتاحیه ترانه‌خوانی گیسو شاکری بود. او با تاکید بر اهمیت چنین گردهمایی‌هایی گفت که برگزاری این سمینار باعث می‌شود که رژیم نتواند که مبارزات و یاد عزیزان از دست رفته را کم رنگ کرده و از خاطره‌ها بزداید. او با شعری افغانی که مضامینش یادآور سرنوشت زندانیان سیاسی و خاوران بود به اجرای برنامه پرداخت. در قسمتی از این ترانه تمام سالن با گیسو شاکری می‌خواند: "نام چو جاوید شد، مردنش آسان کجاست؟" و چنین همراهی‌ای پایان پرشکوهی در برنامه افتتاحیه بود.

موضوع یک: خانواده‌ها، فعالین و وابستگان زندانیان سیاسی

این قسمت از برنامه با پخش بخش‌هایی از فیلم مادر ریاحی آغاز شد که پیش از آن متنی از سوی خانواده ریاحی درباره مادر توسط مجری برنامه میلا مسافر قرائت شد. این گفتگو بنا به تقاضای مادر ریاحی، پس از درگذشت او اجازه انتشار بیرونی داشت و به همین دلیل تاکنون از ارائه آن به عنوان سندی از مبارزات خانواده‌های زندانیان سیاسی به صورت علنی خودداری شده بود.

اولین سخنرانی را با عنوان **این سوی دیوار، آن سوی دیوار** مینا زرین فعال سیاسی چپ و زندانی سیاسی سابق و فیروز مستعان از فعال سیاسی چپ به طور مشترک انجام دادند. متن سخنرانی، گفتاری به شکل نظم و نثر بود که بیانی از سرنوشت نسل‌های مختلف مبارزین در درون و بیرون از زندان، از حکومت رضاخانی تا محمد رضا پهلوی و سپس جمهوری اسلامی را داشت. سخنرانان با بیانی نمادین از سویی زندگی سیاسی زن و مرد را و از سوی دیگر وضعیت خانواده‌های زندانیان سیاسی را باز گفتند.

سخنران بعدی اردوان زیرم، از فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) بود. پیش از آغاز سخنرانی، شعر احمد شاملو با صدای شاعر از مجموعه "کاشفان فروتن شوکران" در سالن گردهمایی پژواکی زیبا یافت. این شعر به نام "میلاد آنکه عاشقانه بر خاک مرد" را شاعر بزرگ میهن‌مان در شهادت احمد زیرم در دوران ستم‌شاهی سروده بود. موضوع سخنرانی او درباره **نقش دیکتاتوری‌های سلطنتی و جمهوری اسلامی در به سکوت واداشتن خانواده‌های زندانیان سیاسی و جانفشانان راه آزادی و سوسیالیسم** بود.

سپس مهنوش شجاعی، از فعالین سیاسی و از کارگران پیشرو، به **وضعیت فعالین سیاسی در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵** پرداخت. این سخنرانی جمع‌بندی کوتاهی از شرایط زندگی نیروها و مبارزین سیاسی دستگیر نشده در ایران در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ بود، که شرایطی سخت را برای ادامه مبارزه و زندگی خود طی کرده‌اند. سخنران به طرح‌های رژیم جمهوری اسلامی برای شناسایی نیروهای دستگیر نشده در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اجتماعی، از جمله طرح مالک و مستاجر در سال ۱۳۶۱ پرداخت.

در پایان این قسمت، با حضور ثریا یکی از زندانیان سیاسی که همسرش توسط رژیم جمهوری اسلامی اعدام شده و فرزندش نیز از چهل روزگی با او در زندان بوده، با خواندن قطعه شعری، سرنوشت خود و تعداد بی‌شماری از بازماندگان جنایات رژیم جمهوری اسلامی را تصویر کرد. بلافاصله، فرزند یکی از جانفشانان و جانب‌باختگان کشتار سراسری ۱۳۶۷ به بیان احساس خود به عنوان کودکی چهار ساله در روزهای ملاقات پیش از اعدام پدرش پرداخت. او

که اینک جوانی بیست ساله بود، چنان با جزئیات به احساس‌های کودکانه خود در آن سال‌های سیاه پرداخت، که بسیاری از حاضرین در سالن را منقلب ساخت. در این لحظات مجری برنامه از افرادی که در خانواده‌اشان عزیزی را از دست داده‌اند درخواست کرد به روی صحنه بیایند تا با شاخه گلی یاد این گل‌های سرخ انقلاب و آزادی را گرامی دارند. به تدریج صحنه از انبوه مادران، همسران و فرزندان پر شد که داغ جنایات رژیم شاه و جمهوری اسلامی را بر دل دارند. برای تک تک ما، صحنه‌ای تکان‌دهنده بود، که کلام از بیان آن قاصر است...
دو سخنرانی این روز به دلیل کمبود وقت به جلسه روز شنبه انتقال یافت.

برنامه‌های فرهنگی و هنری جمعه شب

برنامه هنری با آوازخوانی سیما بهمنش آغاز شد. او در سال ۱۳۵۱ فعالیت جدی هنری خود را با "انجمن تئاتر ایران" آغاز کرد. پس از دستگیری همراه این گروه و آزادی از زندان، فعالیت سیاسی را جانشین فعالیت هنری نمود. در سال ۱۹۹۶ با شرکت در نمایشنامه موزیکال "مشهدی عباد" وارد صحنه هنر ایران در تبعید شد و همراه گروه تماشاخانه اجراهای فراوانی در شهرهای مختلف آلمان، اروپا و آمریکای شمالی داشت. به هنگام اجرای برنامه سیما شور وصف-ناپذیری حاضرین سالن فرا گرفته بود. آهنگ "یاران" با صدای پرطنین او در سالن پایان بخش برنامه سیما بود.

سپس هاید هرابی، هنرمند برجسته تئاتر و عضو GEDOK

(Gemeinschaft Deutscher und Österreichischer Künstlerinnenvereine aller Kunstgattungen)

روخوانی نمایشی: با من برقص را به اجرا در آورد. وی که متن این نمایشنامه را پس از وقوع قتل‌های زنجیره‌ای در تورنتو نوشته بود. در این باره می‌گوید:

"در فضایی هنوز گیج فضای بهت و وحشت و انزجاری بودم که پیامد این فاجعه بود. رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی بارها نشان داده بود که در شکار مخالفان و سرکوب اندیشه‌ورزان و آزادیخواهان تا حد غیرقابل تصویری درنده-خو و کینه‌توز است و این بار هم ضربتی و غافلگیرانه عمل کرده بود. گمانم یکی دو هفته پس از ترور یاران نویسنده و اندیشمند ما، زنده یادان **مختاری** و **پورینده** بود که در خواب دچار کابوسی عجیب شدم. این کابوس یکی از سورئالیستی‌ترین تصاویر ممکن را در سرکوب اندیشه و انسان معترض در ذهن من بیدار کرده و هفته‌ها مرا به خود مشغول ساخته بود. ماه‌ها بعد تصویر آن کابوس تبدیل به متن تک پرده‌ای شد به نام **با من برقص**. فضا و روایت نمایشنامه متأثر از همان کابوس شکل گرفت، همانگونه سورئالیستی... با گرت‌های از طنز!"

هایده ترابی در حین روایت‌های گونه‌گون از جنایت، مخاطب خویش را به زوایای دهشت‌آور جنایت هولناک توسط رژیم جمهوری اسلامی می‌کشاند و طنز تلخ یاری می‌رساند که تباهی چنین سیستم مخوفی از جنایت، سرکوب و دروغ-پردازی را به آشکار و از فاصله ببینیم.

پس از تئاتر هاید ترابی فیلمی از پانته‌آ بهرامی با نام **از این فریاد تا آن فریاد** به نمایش در آمد. پانته‌آ بهرامی که فارغ-التحصیل رشته علوم ارتباطات اجتماعی در تهران است، در سن ۲۲ سالگی دستگیر و سال‌های سیاه ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ را در زندان‌های جمهوری اسلامی تجربه کرده است. پس از خروج از ایران تز فوق‌لیسانس خود را در سال ۱۹۹۴ در دانشگاه دورتموند در مورد "سیری در روزنامه‌نگاری زنان در ایران از ابتدا تاکنون" به رشته تحریر در آورد. او تز دکترای خود را در سال ۲۰۰۲ در مورد "نقش زن در سینمای ایران - مقایسه‌ای بین سینمای متفاوت در قبل و بعد از انقلاب" نوشت.

فیلم "از این فریاد تا آن فریاد" آخرین اثر وی در جشنواره بین‌المللی زنان در فلورانس ایتالیا در سال ۲۰۰۴ به نمایش درآمد. این فیلم را می‌توان فریاد بخشی از جامعه خفقان‌زده ایران دانست. فیلم دو داستان موازی را دنبال می‌کند: اول داستان زن هنرمندی که هشت سال جوانی خود را در زندان‌های جمهوری اسلامی سپری کرده و حدود ۲۰۰ نقاشی را ترسیم و به کمک هم‌بندی‌هایش به صورت غیرقانونی از زندان خارج کرده است.

دوم، ترسیم دو قتل‌عام بزرگ سیاسی که در دهه شصت صورت گرفت. به ویژه آن که پس از گذر بیش از یک دهه، هنوز بر زوایای قتل‌عام ۱۳۶۷ مَهر سکوت خورده و رژیم آن را در هاله‌ای از تاریکی پنهان نموده است. فیلم برشی از پستی و بلندی‌ها، محرومیت‌ها، مبارزات، سرکوب‌ها، دوستی‌ها و... در زندان می‌باشد.

حسن ختام برنامه‌های جمعه شب برنامه هادی خرسندی بود که با استقبال وسیع علاقمندان روبرو شد. هادی خرسندی طنزپرداز با سابقه ایران، همچنان پای بندی خود را به مبارزه برعلیه ارتجاع حاکم بر ایران با حضور در چنین مراسمی نشان داد. او با نمایش‌های کم‌دی یک نفری به مبارزه با جهل و خرافات مذهبی پرداخته و از این راه انبوهی از علاقمندان را به سوی خویش می‌کشد.

شنبه صبح: تأثیرات جسمی و روحی زندان و شکنجه

صبح شنبه با موضوع تأثیرات جسمی و روحی زندان و شکنجه آغاز شد. ناصر پرنیان، از زندانیان سیاسی سابق، فعال سیاسی چپ، درباره **تأثیرات جسمی و روانی شکنجه** سخن گفت. او با استفاده از عکس و طرح و نمودارها، نشان داد که پدیده غیر انسانی شکنجه موضوع جدیدی نیست. در سخنرانی ناصر پرنیان به تعاریف اولیه و متدهای شکنجه و عوارض آن پرداخته شد.

علی فرمانده، جانشین پرفسور در روانپزشکی بالینی نرونی، سخنران بعدی بود که به موضوع **زندانی پس از زندان** پرداخت. او در سخنرانی خود به توضیح تحقیقی پرداخت که نتیجه مطالعات بالینی در میان پناهندگان ایرانی که در زندان بوده‌اند و در سوئد زندگی می‌کردند، بود. این تحقیق آن دسته‌ای را مورد توجه قرار می‌داد که یا خود را ایزوله می‌کنند و یا هویتی جز زندانی سیاسی برای خود قائل نیستند و یا جز نقش قربانی جامعه و شکنجه نقش دیگری برای خود نمی‌بینند. تمامی این گروه از ناهنجاری‌های مختلف روحی و روانی رنج می‌برند.

این تحقیق دو دوره را مورد توجه قرار داده است. اول تأثیر شکنجه در دوران زندان بر زندانی در جهت خردکردن و نابودی هویت فردی برای مهار فرد یا نابودی وی. دوم تأثیر شکنجه در زندگی پس از زندان.

سخنران بعدی عدرا ابادری، روان‌شناس و روان‌درمانگر، درباره **شکنجه از دیدگاه مردانه و زنانه** بود. در این سخنرانی مقایسه دو کار تحقیقی در رابطه با شکنجه، تاریخچه، تعریف و هدف شکنجه و گسترش شکنجه در طول زمان ارائه شد. بررسی وضعیت روحی و روانی زندانیان سیاسی در زندان، بعد از زندان در ایران و در کشور مهاجرپذیر از دیگر محورهای این سخنرانی بود. علاوه بر این اشاره کوتاهی به واکنش روانی کودکانی که پدر و مادرشان زندانی بوده و مورد شکنجه قرار گرفته‌اند، انجام شد.

آخرین سخنران در این قسمت، فلیسیتاس ترویه، روان‌شناس، روان‌کاو، فعال سیاسی آلمانی بود که درباره **شکنجه، شکنجه‌شده و جامعه: نگاهی به تجربه کلکتیو علیه شکنجه و معافیت از مجازات - مکزیک** سخنرانی کرد. او بیش از شش سال است که در رابطه مستقیم با زندانیان سیاسی، اعضای خانواده و ساکنین روستاهایی که از آنجا آمده‌اند در مکزیک کار می‌کند. فلیسیتاس ترویه از جمله بنیانگذاران "کلکتیو علیه شکنجه و معافیت از مجازات" است. در این سخنرانی به تجربه کلکتیو علیه شکنجه و معافیت از مجازات در مکزیک پرداخته شد.

در پایان به بحث و گفتگو با سخنرانان پرداخته شد، که با توجه به علاقه و اهمیت بحث‌ها، و تراکم برنامه‌ها در سالن اصلی، ادامه گفتگو به سالن B منتقل شد تا علاقمندان بتوانند زمان بیشتری برای تبادل نظر در اختیار داشته باشند. در همین جا به اطلاع سایر دوستان و رفقا می‌رساند که فیلم این گفتگوها در سالن B در اولین فرصت برای استفاده عموم انتشار می‌یابد.

در سالن اصلی برنامه‌ها با سخنرانی‌های عقب‌افتاده از روز جمعه ادامه پیدا کرد. نخست شهین نوایی، یکی از فعالین جنبش زنان مطلبی تحت عنوان **گالینداپل - نماینده ویژه سازمان ملل - در برلین** ارائه کرد که در آن به فعالیت‌هایی که برای نجات زندگی ۸۳ زندانی سیاسی در سال ۱۹۸۹ در برلین اشاره شد. این گزارش نمونه‌ای از پیوند مبارزه فعالین خارج از

کشور برای آزادی زندانیان سیاسی در داخل کشور بود. نمونه‌ای که نشان می‌دهد برخلاف تبلیغات رژیم اپوزیسیون در خارج از کشور همواره در همبستگی با مبارزین داخل کشور و زندانیان سیاسی کوشیده است. سیاگزار برلین، به بازتاب مبارزات **زندانیان سیاسی ایران در مطبوعات جهانی**، پرداخت. او به عنوان شاعر و نویسنده و نیز از فعالین جنبش دانشجویی و کنفدراسیون با ارجاع به اسناد و نمونه‌های منتشره در زمان کوتاهی که در اختیار داشت سخنرانی موفق و پرمحتوایی را به شنوندگان ارائه داد. استقبال از سخنرانی او چنان وسیع بود که در پایان همه سالن به احترام سخنران ایستاده بود و با کف زدن ممتد از او قدردانی می‌کرد.

بعداز ظهر شبه: سرکوب و اختناق در ایران، تلاش برای مستندسازی

در این قسمت سخنرانان و شرکت‌کنندگان در میزگرد در دو بخش به ارائه مطالب خود پرداختند. در بخش نخست با سخنرانی میلا مسافر، پرویز قلیچ‌خانی و همایون ایوانی به مستندسازی کتبی پرداخته شد. میلا مسافر، از فعالین سیاسی چپ ایران، یکی از موسسین "کمیته دفاع از زندانیان سیاسی - برلین"، و همچنین او عضو هیئت مدیره جامعه بین‌الملل حقوق بشر است. (Internationale Liga für Menschenrecht)

وی در سخنرانی‌اش به **ضرورت انتشار گزارش سالیانه از موارد نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران** پرداخت. وی در سخنرانی خود بیان داشت که "کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران در برلین همه ساله در سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ گزارشی سالیانه به زبان آلمانی منتشر می‌کند که بخشی از موارد نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران در آن ثبت می‌شود. محدوده کار مستندسازی با موارد نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران با بسیاری از نظام‌های متعارف سرمایه-داری جهان که تنها حوزه مبارزه سیاسی-اجتماعی را در بر می‌گیرد، متفاوت است. در نظام دیکتاتوری اسلامی ایران حتی حوزه زندگی خصوصی انسان‌ها موضوع محاکمات سیستم قضائی است که در عرف و قوانین بین‌المللی از حقوق اولیه انسان‌ها محسوب می‌شوند.

ثبت و افشای موارد تروریسم دولتی برای ما علاوه بر افشای ماهیت ارتجاعی این رژیم در داخل و خارج به لحاظ افشای سیاست دولت‌های حامی رژیم ایران حائز اهمیت است. برای گزارش سالانه دلایل مختلفی وجود دارد، از جمله:

- ابزاری برای شکستن سکوت در مقابل نقض حقوق بشر در ایران
- تحریف سرکوب و پیگردهای سیاسی در سطح ملی و بین‌المللی
- افشای روابط سیاسی-دیپلماتیک کشورهای غربی مدعی دفاع از حقوق بشر
- شناساندن مسئولیت و عملکرد مقامات دولتی در ارگان‌های سرکوب رژیم در گذشته و حال.

سخنرانی پرویز قلیچ‌خانی، مدیر مسئول و سردبیر نشریه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی "آرش"، درباره **نشریه آرش و گسترش سراسری زندانیان سیاسی** بود. او ضمن اشاره به کمبودها در این زمینه، گاهشماری از مطالب آرش درباره زندان‌های جمهوری اسلامی ارائه داد. حضور نگرش انتقادی به کار نشریه آرش، توسط سردبیر و مدیر مسئول آن، از جمله نقاط برجسته این سخنرانی بود.

آخرین سخنران در این بخش همایون ایوانی بود که پیش از شروع صحبت‌های خود، چکیده‌ای از مطلب ارسالی ناصر مهاجر، جامعه‌شناس، پژوهشگر در تاریخ معاصر و کوشنده سیاسی و نیز عضو هیئت تحریریه و ویراستار نشریه و کتاب "نقطه"، را با عنوان **در اصالت روایت‌های زندان** قرائت کرد. ناصر مهاجر در مطلب خود نوشته بود:

"گام نخست برای رهایی‌یافتن از بازجویی، زندان، شکنجه و اعدام، پراکندن آگاهی از چند و چون بازجویی، زندان و شکنجه و اعدام است. تا این چهار جزء اصلی مجازات دگراندیشی و اعتراض سیاسی شناخته نشود و پی‌آمدهای روانی، اجتماعی، فرهنگی سیاست خشونت بر وجدان فردی و اجتماعی جایگاهی درخور نیابد، دمکراسی در ایران به دست نمی‌آید.

... مشکل نوشتن برای کسانی که کم نوشته‌اند، سستی و رنگ‌باختگی حافظه در گذر زمان، گونه‌گونی توانایی‌های ذهن در ثبت رویدادها، فراموشی‌های آگاهانه و ناخودآگاهانه، نیز روحیات فردی و ملاحظه‌های شخصی، دوری‌ها و

نزدیکی‌ها و دوستی‌ها و دشمنی‌های فکری، سیاسی و سازمانی در متن فرهنگی‌ای بیش‌وکم یگانه، بازسازی واقعیت را دشوارتر از آنچه هست می‌سازد. به این همه باید سرشت هول‌انگیز خود واقعیت زندان را نیز افزود که بازنویسی‌اش در گرو باز زیستن واقعیت هول‌انگیز است. در هر صورت، تنها از راه گفتن و بازگفتن و نوشتن و بازنوشتن یادمانده‌هاست که بازشناسی روایت‌های دقیق و نادقیق از یک‌دیگر میسر می‌گردد، جامعه به شناختی نسبی از سیاست خشونت دست می‌یابد و خواهان برپایی آزادی می‌شود.

سپس، همایون ایوانی، از همکاران "گفتگوهای زندان"، به صورت اجمالی به روند شکل‌گیری گفتگوهای زندان در سال‌های ۱۹۹۶ - ۱۹۹۷ و انتشار اولین شماره آن پرداخت. به تعبیر او، نکته‌ای که "گفتگوهای زندان" را از سایر کارهای مربوط به زندان متمایز می‌کند، سازماندهی کار جمعی زندانیان سیاسی سابق در قالب یک مجموعه انعطاف‌پذیر است، که در عین بازتاب نظرات زندانیان سیاسی چپ، رادیکال و غیرمذهبی، همچنین فضایی برای مبارزه بر علیه شکنجه، زندان و اعدام برای نیروهای مختلف فراهم آورده است. به همین دلیل، گفتگوهای زندان، تجربه‌ای اصیل از همیاری متقابل زندانیان سیاسی سابق برای انتقال تجربه به نسل نوین فعالین سیاسی است و نیز سندی معتبر در ثبت جنایات رژیم جمهوری اسلامی بر علیه بشریت به شمار می‌رود. در پایان این قسمت، شرکت‌کنندگان در گردهمایی به بحث و گفتگو با سخنرانان پرداختند.

بخش دوم با سخنرانی مهناز تمیزی درباره **امکانات و مشکلات فیلمسازی درباره زندان** آغاز شد. وی تحصیلات خود را در فیلم آکادمی (آمستردام، هلند) در دو رشته کارگردانی و مونتاژ در سال ۱۹۹۴ به پایان رسانده و فیلم سنگ (داستانی - ۳۲ دقیقه) یکی از پروژه‌های پایان تحصیلی او می‌باشد که در فستیوال‌های مختلف بین‌المللی به نمایش رسیده است. وی علاوه بر ساختن، نوشتن، تهیه و تدریس فیلم در سال‌های گذشته، از سال ۱۹۹۴ نیز درباره زندان‌های جمهوری اسلامی و زندانیان سیاسی سابق مشغول تحقیق از طریق مصاحبه و بررسی ادبیات زندان، نوشتن سناریو و تولید فیلم‌هایی در این باره می‌باشد. او مطرح ساخت که:

"ساختن فیلم‌های دراماتیک و رآل که بار اجتماعی و سیاسی مستند آن، آن‌هم زمانی که بخش عظیمی از جهان، خسته از واقعیت‌های دهشتناک اطراف خود می‌باشد، عملی به ظاهر غیر ممکن می‌رسد. در سال‌های اخیر هر چه خشونت در جهان و جنگ‌ها رو به افزایش می‌رود، کشش بینندگان به فیلم‌های تجاری و سرگرم‌کننده نیز بیشتر می‌شود. از طرفی سرمایه‌گذاران در فیلم هم دائماً کارگردانان و تهیه‌کنندگان فیلم را برای ساخت "فیلم سرگرم‌کننده برای بیننده" تحت فشار قرار می‌دهند و اکثر سناریوها دائماً مورد دخالتگری‌های متفاوت تحت عنوان "فیلم مناسب برای بیننده خسته و پر کردن گیشه‌های سینما" می‌شود. در کشورهای اروپایی که سرمایه‌های دولتی است و هم‌زمان تنها صندوق‌های اعانه، کمک‌های کوچکی به تولید فیلم می‌کنند، شانس ساختن فیلم‌های هنری، اجتماعی و سیاسی کیفی هر روزه رو به کاهش می‌رود. فرد در مقابل این سیستم تنها می‌ماند و جمع هم با محکوم کردن و مقصر دانستن سازندگان فیلم، پروسه رشد فیلم را مختل کرده و گاهاً به توقف می‌کشاند. با نگاهی اجمالی به میزان تولید و ترکیب دست‌اندرکاران فیلم غیرغربی در کشور میهمان، به این مدعا پی خواهیم برد. قابل توجه است که ساخت فیلم‌هایی که جامعه دیگری را به نقد می‌کشند، به سرعت تشویق و تبلیغ می‌شود و کمتر فیلمسازی که منتقد به هر دو جامعه (کشوری که در آنجا به دنیا آمده است و کشوری که در آن میهمان است) موفق به ساختن فیلم با نگاه انتقادی خود شده است.

شاید انتقال تجارب متفاوت بتواند مسیر تولید فیلم‌های غیرتجاری و هنری را هموار سازد. فیلم یک محصول جمعی است و نیازمند سرمایه‌های مادی و معنوی می‌باشد. تنها با بررسی دقیق شرایط ذکر شده می‌توان راهی برای رشد هرچه بیشتر تولیدات فیلم‌های اجتماعی با مضمون سیاسی به وجود آورد. شناخت از سیستم سرمایه‌گذاری در فیلم و تصویب -

کنندگان طرح‌های فیلم و ایجاد شیوه بیان جدید برای عرضه کردن طرح‌ها حتما می‌تواند راه دست‌اندرکاران جدید فیلم که هنوز به آن‌ها "مهر سیاسی" نخورده است را هموار سازد.

ساخت فیلم درباره زندان در مراحل مختلف به دلایل اقتصادی، تولیدی و کمبود همکاری و برداشت متفاوت تهیه‌کنندگان غیرایرانی از مسایل زندان ایران متوقف شد. اما سعی برای به وجود آوردن شرایط مناسب و معقول برای ساخت یک فیلم کیفی و حرفه‌ای هنوز هم ادامه دارد.

سپس بحث و گفتگو در زمینه مستندسازی سینمایی با حضور مهناز تمیزی، پانته‌آ بهرامی و شیرین مهربد انجام گرفت.

مستندسازی: زندان در دوره سلطنت

بخش ویژه مستندسازی به زندان در دوره سلطنت اختصاص داشت. این بخش با سخنرانی عباس مظاهری درباره فضای زندان‌های سیاسی در دهه چهل شمسی آغاز شد. او در ۱۳۴۴ به اتهام عضویت در کمیته مرکزی "حزب ملل اسلامی" دستگیر شده و دوره زندان را در زندان‌های تهران، زاهدان، زنجان (۳ سال انفرادی)، مشهد، اصفهان و بعد از اعتصاب غذا در این زندان، زندان تبریز گذرانده بود. در زندان زاهدان از طریق چوپان‌زاده با اندیشه‌های مارکسیستی آشنا شد و تمایل به آن یافت. در ۲۱ آذر ۱۳۵۷ در آستانه قیام، از زندان آزاد شد.

سخنرانی عباس مظاهری، نخست با تعجب و سپس استقبال شنوندگان در سالن روبرو شد. او سخنان خود را چنین آغاز کرد:

"من همان‌طور که اشاره شد، در سال ۱۳۴۴، یعنی چهل سال پیش، با هدف استقرار حکومت اسلامی در ایران دستگیر شدم!..."

عباس مظاهری، سپس به افشای سیاست سرکوبگرانه و فاشیستی اسلام‌گرایانی همچون لاجوردی و... پیش از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی پرداخت. او از باقر عباسی و علی‌رضا سیاسی آشتیانی به نیکی یاد کرد که به عنوان بنیان‌گذاران "حزب الله" در دهه چهل شمسی بودند و سپس به اندیشه‌های مارکسیستی گرویدند. راهی که سرانجام به جوخه‌های اعدام رژیم حاکم بر ایران ختم شد. لازم به ذکر است که به دلیل تراکم برنامه‌ها در سالن اصلی، با عباس مظاهری در سالن B مصاحبه‌ای طولانی انجام شد که در تلاش هستیم تا این مصاحبه در اسرع وقت به صورت صوتی و تصویری در اختیار علاقمندان و پژوهشگران قرار گیرد.

پس از عباس مظاهری، یوسف از زندانیان سیاسی زمان شاه، خاطراتی کوتاه از چوپان‌زاده در زندان‌های جنوب کشور را بازگو کرد و سپس محمد سیداحمدی، به معیارهای خشونت در زندان‌های نظام شاهنشاهی پرداخت. او به خاطر فعالیت در بخش تدارکات سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، در دوم خرداد ۱۳۵۰ دستگیر و در مقطع قیام مردم در دوم بهمن ۱۳۵۷ از زندان آزاد شده است. محمد سیداحمدی، در سخنرانی‌اش گزارشی از زمان دستگیری به وسیله نیروهای شهربانی تا زندان اوین و پایان دادگاه دوم ارائه داد.

پس از آن سعید یوسف، درباره نقش شخصیت در مقاومت سخن گفت. او در سال ۱۳۴۹ در رابطه با فعالیت‌های دانشجویی در مشهد دستگیر شده که تنها بازداشتی دو روزه بود. در خرداد ماه سال ۱۳۵۰ برای بار دوم در ارتباط با شاخه مشهد فدائیان دستگیر شد و این بار سه سال (تا خرداد ماه ۵۳) در زندان‌های ساواک مشهد، اوین، جمشیدیه، قزل‌قلعه، موقت شهربانی، قصر و قزل‌حصار به سر برد. پس از انقلاب عضو تحریریه کار بود و از سال ۶۱ ناگزیر به ترک میهن شده است.

سعید یوسف در سخنرانی‌اش کوشید دعوتی داشته باشد به بازنگری در تلقی سنتی از فردیت که در فرهنگ سیاسی و در میان زندانیان سیاسی نیز معمولاً مذموم دانسته می‌شده و سعی در نفی و طرد آن داشته‌اند. او با بیان هم‌پیوندی منافع شخصی و مبارزه اجتماعی درکی عمیق‌تر و واقعی‌تر از نقش شخصیت در مقاومت و مبارزه اجتماعی را ترسیم کرد.

آخرین سخنران در این قسمت، فریبرز سنجری درباره تأثیرات جنبش مسلحانه در زندان‌های رژیم شاه سخن گفت. او به دلیل فعالیت در صفوف چریک‌های فدایی خلق در سال ۵۰ دستگیر و در بهمن همان سال به حبس ابد محکوم شده بود. در

جریان انقلاب سال ۵۷ با آخرین دسته زندانیان سیاسی از زندان آزاد شد و بلافاصله در ارتباط با سازمان چریکهای فدائی خلق قرار گرفت. از اسفند ۱۳۵۷ او در کنار رفقای دیگری که وفادار به تئوری‌ها و سنت‌های انقلابی سازمان و مخالف مماشات با رژیم خمینی بودند، چریک‌های فدائی خلق را شکل داده‌اند و از آن زمان تاکنون در صفوف این تشکیلات به وظایف انقلابی خود عمل می‌کنند. فریبرز سنجرى، در سخنان خود به بررسی تأثیرات مبارزات انقلابیون مسلح در زندان‌های رژیم شاه چه در حوزه بازجوئی و شکنجه و چه در دادگاه‌ها و در جریان دوران محکومیت پرداخت.

در پایان راضیه ابراهیم‌زاده، برای ابراز همبستگی با مبارزین و زندانیان سیاسی ایران به پشت تریبون رفت و با مقایسه شکنجه‌ها در سال‌های مختلف حکومت شاهنشاهی، به اوج‌گیری آن در دهه پنجاه و سپس رژیم جمهوری اسلامی اشاره داشت. او در سخنان خود، بر ادامه مبارزه تا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تأکید کرد. راضیه ابراهیم‌زاده با سخنان پراحساس و قاطعش، نشان داد که وی در مرز هشاد سالگی، همچنان در کنار نسل‌های دیگر مبارزین راه آزادی و سوسیالیسم ایستاده است.

در قسمت انتهایی بخش ویژه، بحث و گفتگو با سخنرانان بود که با توجه به تراکم برنامه‌ها در سالن اصلی، ادامه بحث و گفتگو با حضور علاقمندان در سالن B انتقال یافت. در این قسمت محمد سیداحمدی و فریبرز سنجرى حضور داشتند و متأسفانه از لحاظ اجرایی قادر نشدیم از حضور سخنرانان گرانقدر سعید یوسف و عباس مظاهری در این قسمت بهره ببریم. فیلم این بحث و گفتگو به عنوان بخشی از اسناد این گردهمایی به زودی آماده انتشار خواهد شد.

شب همبستگی بین‌المللی با زندانیان سیاسی ایران

پس از استراحت و شام، برنامه‌های شب همبستگی بین‌المللی با زندان سیاسی ایران آغاز شد.

برنامه با تئاتر **صندلی آهنی** اثر بهروز حسینی، نمایشنامه‌نویس و کارگردان، آغاز شد. این نمایش از سه تک‌پرده‌ای (اپیزود) کوتاه تشکیل شده بود. تک‌پرده‌ای‌ها به ترتیب "صندلی آهنی"، "قیامت" و "غروب انزلی" نام داشت که به تصویر گوشه‌هایی از واقعیت هول‌انگیز زندان‌های جمهوری اسلامی به بیانی هنری می‌پرداخت. اجرا و کارگردانی موفق تئاتر در سالن انبوه از تماشاگران، در روزی که ساعت‌های زیادی پیش از آن حاضرین در جلسات سخنرانی و بحث حضور داشتند، از نکات در خور توجه کار گروه هنری بود. هر تک‌پرده تماشاگران را با خود به گوشه‌ای از سرنوشت فعالین و زندانیان سیاسی می‌کشاند. سرنوشتی واقعی که در بیان نمایشنامه‌نویس، جنبه‌ای نمادین می‌یافت.

برنامه دقیقی را اختصاص به خواندن پیام‌های رسیده به این گردهمایی داد و پس از آن گیسو شاکری به آوازخوانی پرداخت. او که ردیف آواز ایرانی را در ۱۹۸۰ نزد استاد ناصح‌پور فرا گرفته، فعالیت‌های هنری خود را با اولین کنسرتش در ۱۹۸۹ در شمال سوئد آغاز کرده است. او به راستی نشان داد که آوازخوان مردمی است که در زندانی به وسعت ایران در بند و زنجیرند.

در شعرها و آوازهای او، مضامین اجتماعی و سیاسی نقش برجسته‌ای دارد و اجرای برنامه توسط گیسو آن‌چنان با استقبال حاضرین روبرو شد که مجریان برنامه علی‌رغم متراکم بودن برنامه‌ها، زمان بیشتری به اجرای این قسمت از برنامه اختصاص دادند تا صدای سحرانگیز او، دمی دیگر مشتاقان را نیرو و امید بخشد. گیسو، امید به رهایی را با آوازه‌ایش در سالن می‌افشاند و به یک کلام، سالن با گیسو می‌خواند و می‌رقصید.

پس از او، شیرین مهربد، هنرمند و زندانی سیاسی سابق به روی صحنه آمد. شیرین کار موسیقی خود را از نوجوانی آغاز کرده و علاقه خاص او به موسیقی موجب شد تا به آموزش آواز در بخش سوپرانو مشغول شود. اولین کارش شرکت در اجرای سرود «صدای گام‌های انقلاب هنوز می‌آید» در دانشگاه پلی‌تکنیک تهران در سن ۱۷ سالگی بود.

نخستین ملودی او بر روی شعر «او یک زن است» در ذهن او و در زندان شکل گرفت. در سال ۱۹۹۰ در کنار آغاز تحصیلاتش به فراگیری ردیف‌های موسیقی ایران مشغول شد. وی در سال ۲۰۰۴ اقدام به تولید و ضبط موسیقی خود کرد که حاصل آن مجموعه «اوج غریب یک صدا» است. او اولین اجرای روی صحنه «اوج غریب یک صدا» را در این

شب ارائه کرد. صدای پرطنین او، ما را به کرانه‌های دیگر از دنیای هنر کشاند. شعرها و نوای متفاوت برنامه شیرین، نشان از ترکیب احساس، تجربیات زندان و سرکوب از سویی و دانش موسیقی از سوی دیگر بود. ترکیبی عمیق، زیبا و بدیع که کاستی آن در روزگار کنونی سخت احساس می‌شود. با توجه به استقبال حاضرین در جلسه، وقت برنامه شیرین نیز افزوده شد تا در لحظاتی هر چند کوتاه، شنوندگان را به کرانه‌های دیگری از احساس و زیبایی رهنمون شود.

پس از خواندن برخی پیام‌ها و نیز ارائه اطلاعاتی در مورد وضعیت پناهندگان کرد در ترکیه و نیز سندیکای کارگران شرکت واحد و... قسمت انتهایی برنامه هنری با آوازخوانی مصطفی گرگین‌پور آغاز شد. برنامه او که به عنوان یکی از موسیقیدان‌های "کارگاه هنر ایران" در زمینه موسیقی محلی ایل قشقایی فعالیت کرده و نیز برای نوار "بهمن شماره دو" با شاعر و هنرمند مبارز سعید سلطان‌پور همکاری داشته است، حسن ختامی بود برای برنامه هنری شب همبستگی بین-المللی با زندانیان سیاسی ایران.

برنامه تا پاسی از نیمه شب ادامه داشت و گویی وجود تشنه شنوندگان از شنیدن ترانه‌ها و سرودهای انقلابی سیراب نمی‌شد.

روز یکشنبه: گزارش وضع کنونی و جمع‌بندی

صبح یکشنبه به مطالبی که گردهمایی برای نگاه به وضع کنونی و نیز نظرخواهی و جمع‌بندی درباره گردهمایی سراسری اختصاص داشت. متأسفانه، یکی از سخنرانان، فرخنده آشنا، به دلیل مشکلات اجازه سفر (ویزا) قادر به حضور در برنامه‌ها نشد. به همین دلیل تغییری در برنامه این روز به وجود آمد.

اولین سخنران، مجید آزادی، از کارگران پیشرو و زندانیان سیاسی سابق، بود که سخنرانی خود را تحت عنوان **ما که هستیم؟** ارائه داد. او در این سخنرانی به صورت اشاره‌وار به ضرورت گذر از نگرش‌های سنتی در چپ در برخورد با مسئله زندان اشاره کرد. سپس بهرام قدیمی، زندانی سیاسی سابق و از فعالین انتشارات "پیکار و اندیشه"، گفتار خود را تحت عنوان **آیا چاقو دسته خود را هم می‌برد؟** به شنوندگان ارائه کرد. به بیان سخنران

"هدف از این بحث گشودن باب گفت و گو در مورد شیوه برخورد به اشخاصی که یا مغز متفکر و یا عامل شکنجه بوده‌اند. طبیعی است که در این سخنرانی به تمامی کسانی که درگیر ماجرا بوده‌اند، اشاره‌ای شود (از جمله به سازمان-های غیردولتی حقوق بشر و احزاب انتخاباتی)."

یکی از نکات مهم در این سخنرانی به بیان بهرام قدیمی: "برخورد به شعار "محاکمه سران جمهوری اسلامی در دادگاه-های بین‌المللی" بود. چرا که بررسی چنین دیدگاهی، بررسی رابطه "شمال و جنوب" را منعکس کرده و روی "حق به محکمه کشانیدن" مکث می‌کند. بحث در این مورد بیش از آن که بحثی حول شکنجه باشد، بر سر حقوق بین‌المللی است. با این حال، باز هم برمی‌گردد به این موضوع که چگونه حق قضاوت در مورد کشورهای پیرامونی به شخص یا جریانی که خود عامل شکنجه است و یا در اجرای آن سهیم، واگذار می‌شود؟

یکی دیگر از مواردی که روی آن اندیشه می‌شود، تجربیات گروه‌ها و افرادی از کشورهای دیگر، با سابقه سرکوب مشابه خود ماست. این بررسی از آن جهت اهمیت دارد که می‌توان با استفاده از آن تکرار راه رفته، در صورت بی‌ثمر بودن آن، خودداری نمود."

پس از سخنرانی بهرام قدیمی، برای حسن ختام بحث‌ها و گشایش قسمت ارائه نظر شرکت‌کنندگان، دو برنامه هنری که ارتباط هنر و مقاومت در زندان را بیان می‌کرد، ارائه شد.

پس از آن، قسمت نظرها و پیشنهادات شرکت‌کنندگان بود که کمیته برگزارکننده تمامی نکات مطرح شده توسط دوستان و رفقا را مورد پیگیری قرار داده و برای ارتقای گردهمایی‌های آتی مورد توجه قرار می‌دهد. از مواردی که در این قسمت مطرح شد، به محورهای زیر می‌توان اشاره کرد

(توجه! نکات زیر، فقط انتقال نظر شرکت‌کنندگان است و به معنای تائید یا رد نظرات مطرح شده نیست):

تنظیم وقت ناعادلانه بود

- حجم برنامه‌ها زیاد بود
- خواندن پیام ویدا حاجبی، با توجه به این که زمانی به اندازه یک سخنرانی گرفت، الزامی نبود.
- بحث‌ها بسیار عام بود و پدیده زندان و زندانی به طور خاص مورد بررسی کافی قرار نگرفت.
- نقش زندانبان در زندان به عنوان نماینده دولت در گردهمایی مطرح نشد.
- می‌بایستی گروه‌های مختلف به سمینار دعوت می‌شدند.
- به وجود آوردن گروه‌های کاری برای پیش‌برد بحث‌ها ضروری است.
- تعدادی پرسش در زمینه هدف، معیارهای انتخاب و برنامه آینده سمینار مطرح شده است که همان گونه که اشاره شد به تدریج به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

تصویری از سرکوب در ایران امروز

به عنوان یکی از مواردی که تصویر شکنجه و زندان را در ایران امروز نشان می‌دهد، استفان هاشمی، فرزند زیبا کاظمی، گزارشی از جریان پرونده قتل مادرش در زیر شکنجه‌های وحشیانه زندانبانان جمهوری اسلامی ارائه داد. او سخنرانی را به زبان انگلیسی انجام داد و یکی از نزدیکان استفان، محتوای سخنرانی را به فارسی بیان می‌کرد. برای بهبود کیفیت ترجمه به صورت مکتوب، متن انگلیسی با ترجمه دوباره در روزهای آتی انتشار خواهد یافت. استفان هاشمی در این سخنرانی تاکید کرد که پیگیری مسئله قتل زیبا کاظمی را موضوعی فردی نمی‌بیند، بلکه نمونه‌ای از جنایات حکومتی می‌داند که انسان‌های بی‌شماری را بی‌آنکه افکار عمومی از آن مطلع شود، شکنجه کرده و به قتل رسانده است. سخنرانی صریح استفان با موضع‌گیری روشنی که در افشای سیاست‌های دولت ایران و کانادا داشت، مورد استقبال شدید حضار قرار گرفت. سخنرانی او، با نمایش اسلایدهایی از کارهای زیبا کاظمی خاتمه یافت.

پیام‌های رسیده

تاکنون پیام‌های زیادی به سمینار سراسری درباره کشتار سراسری زندانیان سیاسی رسیده است که در زیر به برخی از آنان اشاره می‌شود. با پوزش از تشکل‌ها و افرادی که نامشان در این فهرست نیامده، فهرست تکمیلی در اطلاعیه‌های بعدی ارائه خواهد شد (توجه می‌دهیم که پیام‌ها به ترتیب زمانی که پیام‌ها به ما رسیده، اعلام شده است):

پیام‌های بین‌المللی

مومیا ابوجمال از زندانیان سیاسی، آمریکا
 کلنل آتورو از زندانیان سیاسی، مکزیک
 فعالین جنبش باسک
 نهاد بین‌المللی حقوق بشر
 لیندا اونز، زندانی سیاسی، آمریکا
 کارزار مبارزه برای لغو قوانین نابرابر و مجازات‌های اسلامی علیه زنان
 حزب سوسیالیست چپ، نروژ
 حزب کمونیست انقلابی نروژ
 کانون بین‌المللی زنان پیشرو

سازمان‌ها، گروه‌ها و تشکل‌های دمکراتیک

کانون نویسندگان ایران در تبعید
 سازمان زنان هشت مارس (ایرانی - افغانی)
 پیام کمیته ولایتی کرج سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران
فرهنگسرای اندیشه، گوتنبرگ، سوئد
چریک‌های فدایی خلق ایران
زندانیان سیاسی سابق و خانواده جانب‌باختگان حزب کمونیست م ل م
اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ
کمیته مرکزی راه کارگر
کانون خاوران، کانادا
کانون تلاش، کلن، آلمان
کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران، برلین، آلمان
کمیته تعقیب‌شدگان و زندانیان سیاسی، لایپزیک، آلمان
اتحادیه برای دموکراسی در ایران، استان ونتو، ایتالیا
کانون پناهندگان سیاسی ایرانی، برلین
کانون دفاع از زندانیان سیاسی، فرانکفورت، آلمان
فریدون گیلانی، از اعضای کانون نویسندگان
مجتبی شکیب‌پور تبریزی (جهان)،
از طرف کانون پناهندگان سیاسی، مونستر، آلمان
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
حزب سوسیالیست ایران

انتشار اسناد نخستین گردهمایی سراسری

کمیته برگزارکننده در نظر دارد برای انتشار وسیع‌تر اسناد و آثار گردهمایی نخست از همه امکانات رسانه‌ای نظیر اینترنت، کارهای چاپی و نیز کارهای صوتی و تصویری استفاده کند. تاکنون بخش کوچکی از اسناد سمینار در صفحه اینترنتی گفتگوهای زندان <http://www.dialogt.org> انتشار یافته است و به تدریج این اسناد تکمیل خواهد شد. علاوه بر این، در ستون "بازتاب" به انعکاس نظرات، پیشنهادات و انتقادات اختصاص داده شده است تا علاقمندان بتوانند ما را با نظرات خود در ارتقای کارهای بعدی یاری رسانند.

با گفتگو و هماهنگی‌ای که با سردبیر محترم نشریه آرش شده است تا چند هفته دیگر، بخشی از سخنرانی‌ها و مطالب مکتوب سمینار در ویژه‌نامه نشریه آرش (شماره ۹۲) انتشار می‌یابد. با هماهنگی با سخنرانان، متن کامل مقالات و اسناد به صورت کتاب (یا کتاب‌ها) انتشار خواهد یافت. در مورد انتشار فیلم و یا صدای سمینار، که مورد استفاده عموم قرار گیرد؛ نیز اقداماتی در دست انجام است که با توجه به مسئله توجه به کیفیت کارهای هنری و نیز هماهنگی‌های فنی و مالی، در اسرع وقت اقدام خواهد شد.

وضعیت مالی

همان گونه که در روزهای برگزاری گردهمایی، شرکت‌کنندگان از کمبودهای مالی سمینار باخبر شدند، به اطلاع می‌رسانیم که با کمک‌های تک تک شما عزیزان، بخش مهمی از این کمبودها برطرف شده است. با این حال، برای برطرف ساختن باقی مانده کسری مالی، دوستان، رفقا و علاقمندانی که مایل هستند، می‌توانند کمک‌های مالی خود را به حساب بانکی زیر واریز کنند. لطفا در قسمت موضوع واریز، Seminar Sarasari نوشته شود.

M., Easd

Sparkasse Leipzig
BLZ: 860 555 92
Konto: 1800962521

International:
(IBAN): DE 12 86055592 1800962521
(BIC): WELADE8LXXX

گردهمایی آتی

کمیته برگزارکننده به اطلاع می‌رساند که در مورد گردهمایی آتی، پس از رسیدن پیشنهادات و طرح‌های دوستان و رفقا از شهرها و کشورهای مختلف، و تبادل نظر به منظور حفظ و ارتقای کیفیت گردهمایی و نیز فضای صمیمی گردهمایی که بنیان ضروری برای چنین کاریست، اطلاعات و اخبار برای عموم انتشار خواهد یافت. تاکنون کمیته برگزارکننده سه پیشنهاد از فعالین شهرها و کشورهای مختلف دریافت کرده است و در همین جا از همه فعالینی که در شهر و یا کشور خود امکان برگزاری گردهمایی دوم را دارند، درخواست می‌شود، پیشنهادات و طرح‌های خود را به صورت مکتوب به کمیته برگزارکننده ارسال کنند. Email برای ارسال طرح‌ها: tondardialog@web.de

با تشکر مجدد از همه یارانی که در این راه ما را یاری کرده و می‌کنند.

کمیته برگزارکننده

سمینار سراسری درباره کشتار زندانیان سیاسی در ایران